



## Causes of inefficiency of socio-political parties in Iran after the Islamic Revolution based on social and cultural factors: A qualitative study based on thematic analysis

*Farshid Salamat*<sup>1</sup>

*Sasan Vadiea (Ph.D.)*<sup>\*2</sup>

*Zahra Hazrati Soumea (Ph.D.)*<sup>3</sup>

(Receipt: 2022.06.24- Acceptance: 2023.07.08)

### Abstract

Despite more than a century since the beginning of partisanship in the country and the emphasis on public opinion and collective opinions, we still do not see the existence of parties in the true sense of the word in the country. The aim of this study was to investigate the causes of inefficiency of socio-political parties in Iran after the Islamic Revolution, using the thematic analysis method. This research was applied based on purpose and in terms of method, quality and had a descriptive approach. Thematic analysis method was used to analyze the data obtained from semi-structured interviews. The statistical population of the study included 14 knowledgeable people in the field of political sociology and political science as well as appropriate texts for extracting indicators and theoretical literature. In this study, to select the samples, the snowball approach was used and as a standard for the end of sampling, the theoretical saturation method was used. Themes were obtained using two sources of theoretical literature and semi-structured interview. The result of qualitative data analysis was the identification of 60 concept codes, 18 basic themes and 2 organizing themes including "Social factors" and "Cultural factors" which was presented in the form of a model.

**Key Words:** Socio-political parties, Inefficiency, Partisanship, Islamic revolution, Thematic Analysis,

---

1. Ph.D. student, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran farshid.salamat@yahoo

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Responsible Author)

3. Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran Hazrati14@yahoo.com



10.30495/jsec.2023.1961734.2020



## علل ناکارآمدی احزاب سیاسی - اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر عوامل اجتماعی و فرهنگی: مطالعه کیفی مبتنی بر تحلیل شبکه مضامین

فرشید سلامت<sup>۱</sup>ساسان ودیعه\*<sup>۲</sup>زهرا حضرتی صومعه<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷)

### چکیده

علی رغم بیش از یک قرن سابقه شروع تحزب در کشور و تاکید بر آراء عمومی و عقاید جمعی، هنوز در کشور شاهد وجود احزاب به آن معنای ولقعی آن نیستیم. پژوهش حاضر با هدف ارائه بررسی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی- اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی، با کمک روش تحلیل مضمون انجام شد. این پژوهش براساس هدف، کاربردی و به لحاظ روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل ۱۴ نفر از افراد مطلع حوزه جامعه شناسی سیاسی و علوم سیاسی و نیز متون مناسب جهت استخراج شاخص‌ها و ادبیات نظری بودند. در این پژوهش، برای انتخاب نمونه‌ها، از رویکرد گلوله برفی و به عنوان استاندارد برای پایان نمونه‌گیری، از روش اشباع مضامین استفاده شد. مضامین با استفاده از ۲ منبع ادبیات نظری و مصاحبه نیمه ساختار یافته احصاء شد. نتیجه تحلیل داده‌های کیفی، شناسایی ۶۰ کدمفهومی، ۱۸ مضمون پایه و ۲ مضمون سازمان دهنده شامل «عوامل اجتماعی» و «عوامل فرهنگی» بود که در قالب یک مدل ارائه شدند.

### واژه‌های کلیدی:

احزاب سیاسی- اجتماعی، ناکارآمدی، تحزب، انقلاب اسلامی، تحلیل مضمون

۱- دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران farshid.salamat@yahoo

۲- استادیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Hazrati14@yahoo.com

## مقدمه

زندگی سیاسی دنیای امروز ویژگی‌های پیچیده و خاصی دارد، که موضوعات مختلفی را شامل می‌شود. یکی از این موضوعات که ارتباط تنگاتنگی با جامعه دموکراتیک و به دنبال آن داشتن جامعه‌ای ایده‌آل دارد، بحث تحزب و نقش احزاب در جوامع می‌باشد (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۷). در نظام‌های سیاسی کنونی تقریباً هم‌اندیشی کاملی نسبت به ضرورت تحزب وجود دارد و از احزاب بعنوان چرخ دنده ماشین دموکراسی، نماد سیاست مدرن، حلقه‌ی مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی یاد می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶)، که پرداختن به این شاخص و پی بردن به نقش مؤثر آن در بوجود آوردن جامعه‌ای مردم‌سالار و قانون‌مند، می‌تواند گره‌گشای خیلی از مسائل جامعه باشد (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۷). با عنایت به اینکه احزاب سیاسی یکی از ارکان مهم توسعه سیاسی و به تبع آن جامعه دموکراتیک است، لذا بنابر نظر اغلب اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی و سیاست، برای رسیدن به یک جامعه که از نظر سیاسی دارای ثبات باشد، حرکت در جهت افزایش مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی می‌تواند به این مهم کمک شایانی نماید (پای و وربا؛ ۱۹۹۶: ۱۳؛ به نقل از عبدالهی و فیروز راد، ۱۳۸۸: ۲۹). بنابراین داشتن احزاب سیاسی منسجم با پشتوانه عمومی بالقوه و دارای اهداف عالی، می‌تواند نقش موثری در این امر داشته باشد. حزب در حقیقت گردهمایی پایدار گروهی از مردم است که از عقاید مشترک و تشکیلات منظم برخوردارند و با پشتیبانی مردم برای کسب قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن داعیه‌های شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران وجود داشته و دارد. با این وجود و عیلرغم گذشت بیش از یک قرن از شروع تحزب در کشور و نیز با توجه به اینکه جمهوریت و اسلامیت که مشی اصلی آن تاکید بر آراء عمومی و عقاید جمعی است هنوز در کشور شاهد وجود احزاب به آن معنی‌ای که در تعاریف مذکور به آن پرداخته شده است نیستیم. این در حالی است که در جمهوری اسلامی از بدو تاسیس آن یعنی در بهمن ۱۳۵۷ شعار تاکید بر حضور مردم در همه زمینه‌ها و تاکید بر رأی مردم شده است. و فرموده معروف امام خمینی (ره) «میزان رای ملت است». که این خود در منطقه خاور میانه نوید بخش حضور شکل جدیدی از حکومت اسلامی بوده است که بر خلاف روال سنتی آن یعنی خلافت و حکومت می‌باشد که هنوز در اکثر کشورهای این منطقه وجود داشت. با این وجود، شواهد حاکی از آن است که این چشم‌انداز روشن هنوز محقق نگردیده است و احزاب سیاسی اجتماعی در ایران شکل نگرفته‌اند. لذا با توجه به اینکه نظام تحزب و تجربه احزاب در ایران دارای سابقه طولانی

نموده و به علت این خلأ بزرگ در جریان سیاسی و اجتماعی کشور ما همواره با مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده‌ایم، لذا پرداختن به آسیب‌ها و چالش‌هایی که در این مسیر وجود دارد، می‌تواند تا حدودی راه کارهایی مناسب در جهت افزایش مشارکت‌های عمومی در مسائل اجتماعی و سیاسی را به دنبال داشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

بعد از انقلاب مشروطه، در دوران پهلوی اول، پهلوی دوم و نیز در دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران حرکت‌هایی در جهت نهادینه کردن نقش احزاب در ثبات سیاسی- اجتماعی در کشور صورت گرفته است (خواجه سروری و جعفرپورکلوری، ۱۳۹۳)، ولی تاکنون یک نظام منسجم تحزبی در کشور به وجود نیامده است و عبارتی شاهد ناکارآمدی احزاب سیاسی بوده‌ایم. کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی ایفای بهینه کارویژه‌های مطلوب از سوی یک کنش‌گر اعم از فرد، نهاد و امثال آن است. از سویی کارآمدی درگرو کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به این اهداف نقش دارند. بنابر این تعریف، می‌توان ادعان نمود که تاریخ تحزب در ایران به خوبی نشان می‌دهد که احزاب در دوره حیات خویش نتوانسته‌اند قابلیت و توانایی خود را نشان داده و ایفاگر بهینه‌ی کارویژه‌های مطلوب حزب باشند و اهداف تاسیس این پدیده‌ی سیاسی را فراهم آورند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰). در طول این دوران، یعنی بعد از انقلاب مشروطه، در برهه‌هایی از زمان‌های مختلف، شاهد پیشرفت‌هایی برای تحکیم نظام تحزب در کشور بوده، ولی در هر دوره پس از یک طلوع امیدوارکننده نظاره گر افول این دوران و به دنبال آن کم رنگ شدن تاثیر احزاب در جریان سیاسی- اجتماعی کشور و به تبع آن تضعیف نقش احزاب در دموکراسی بوده ایم. در واقع بسیاری از احزاب سیاسی و دسته‌های سیاسی در دوره یک شخصیت خاص و قائم به وی شکل می‌گرفتند، همچنین خاستگاه و پایگاه آنها شهری و در بین تحصیلکردگان و روشنفکران پایتخت‌نشین و چند شهر دیگر شکل گرفت. البته بعد از انقلاب اسلامی معدودی احزاب در بین اقشار و طبقات پایین و دهقانان و روستاییان نیز نفوذ کردند. همچنین در برخی از برهه‌های تاریخی قدرت‌های خارجی در جهت جلوگیری از تشکیل دولت در ساختارهای حزبی کشور دخالت‌هایی داشتند. از دیگر سو بررسی‌ها نشان داده است که احزاب سیاسی در ادوار تاریخی ایران، فاقد انسجام درونی بوده‌اند و از همه مهمتر، رابطه احزاب سیاسی با دولت‌ها به صورتی خصمانه و حذفی بوده که همین امر سبب شده است این رابطه به شکل منازعه خود را نشان دهد و گروه‌ها و دولت‌های حاکم با ایده‌ی تحزب سرناسازگاری و دشمنی داشته باشند (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳). از جهات مختلف، حزب بارزترین تجربه تحزب در ایران است (صادق فامیان قدیم و توحیدفام، ۱۳۹۸). در ارزیابی علل عدم توفیق احزاب در ایران، را در عواملی چون سرکوب حکومت و یا ساختار طبقاتی پایگاه اجتماعی (جمشیدی، ۱۳۹۲؛ محرم‌خانی، ۱۳۹۳)، فقر فلسفی و ساختار طبقات اجتماعی (صادق فامیان

قدیم و توحیدفام، ۱۳۹۸) بیان نموده اند. اما این تحقیق بنا دارد که متغیرهای اجتماعی- فرهنگی را در بررسی ناکارآمدی احزاب بررسی نماید. بسیاری از جامعه شناسان سیاسی و نیز کارشناسان احزاب عقیده دارند که یکی از دلایل مهم کارآمدی و نیز ناکارآمدی احزاب و تحزب را باید در مسائل اجتماعی و فرهنگی بویژه فرهنگ سیاسی جوامع و دولت‌ها جستجو نمود. در ایران بجز معدودی پژوهش دانشگاهی که دسترسی به آن برای عموم دشوار است پژوهش‌های چندانی در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است. از معدود نگاه‌ها در این زمینه می‌توان به کتاب علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران نوشته تبریزیا (۱۳۷۷)، همچنین کتاب اخوان کاظمی (۱۳۸۸)، با عنوان علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران اشاره نمود. با این تفاسیر، مهم‌ترین سوال‌هایی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آنان می باشد عبارتند از:

مهم‌ترین ابعاد شکل نگرفتن احزاب در دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران از نظرگاه اجتماعی- فرهنگی کدامند؟

چه مدلی علل ناکارآمدی احزاب را تبیین می‌نماید؟

در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی اشاره شده است.

محمدی، باوندی‌پور و عیوضی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر انتخابات با بهره‌گیری از روش تحقیق کمی، مهم‌ترین دلایل نهادینه نشدن احزاب را شامل مواردی چون فرمایشی بودن احزاب، هیئت‌ها و اجتماعات مذهبی، نقش دولت و عملکرد آن، مقطعی، موسمی و مرکزگرا بودن فعالیت احزاب، ضعف عملکرد احزاب، فرهنگ آمریت و قانون-گریزی، نامداری سیاسی، تفکر شخصی و سلیقه‌ای، ضعف در دستیابی به اجماع نظر ذکر نموده اند. در پژوهش ثابتی، وثوقی و محسنی تبریزی (۱۳۹۷)، با عنوان بررسی موانع شکل‌گیری نظام حزبی در بستر توسعه اجتماعی و ساختار فرهنگ سیاسی ایران بین دو انقلاب (مشروطه تا انقلاب اسلامی)، چنین عنوان شده است که فرهنگ سیاسی سنتی- تبعی عامل اصلی بوجود آمدن دولت‌های رانتیر، خشونت سیاسی، توسعه ناقص، تداوم نظام پادشاهی و چرخه استبداد و... بوده است و مجموع این عوامل در کنار هم تشکیل دهنده شبکه علی‌درهم تنیده‌ای برای تداوم فرهنگ سیاسی سنتی و تبعی و ایجاد مانع برای تثبیت دموکراسی و نهادینه شدن فعالیت‌های حزبی و تشکیل نظام حزبی در ایران بوده اند. در پژوهش سردارنیا (۱۳۹۳)، با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران در سده اخیر، رقابت‌های سیاسی ناسالم، قدرت بنیاد و غیرنمادمند سبب‌ساز بی‌اعتمادی مردم به احزاب ذکر شده‌اند. نتایج پژوهش باقری عدالت (۱۳۹۶) با عنوان تحلیل حقوقی انحلال قضایی احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران، بانگر ان بود که عواملی نظیر، نبود تعریف قانونی و جامع

برای تخلفات سیاسی، وجود تمایلات تمامت خواهانه‌ای، نبود آزادی های قانونی برای فعالان حزبی، نبود تعریف جامع و درست از جرم سیاسی و تداخل آن با آزادی‌های مصرح قانونی احزاب در کشور، دلایل اصلی انحلال قضایی احزاب در ایران بوده اند. ماهیت نظام سیاسی ایران، اجرا نشدن قانون اساسی و بندهای آن در مورد احزاب، شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، در پژوهش موسوی (۱۳۹۳) به عنوان دلایل اصلی ناکارآمدی احزاب در استقرار نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران معرفی شده اند. لطفی زاد (۱۳۹۳)، نقش و عملکرد احزاب سیاسی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲ ه.ش.) را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داد که فقر فرهنگ سیاسی، بیگانگی و عدم شناخت درست از مردم و جامعه اسلامی، شیفستگی و تمایل به تمدن غرب بدون در نظر گرفتن فرهنگ و بافت زندگی ایرانی، آمریت و اقتدارگرایی در مقابل قانون‌گرایی، منطق غیر مشارکتی، انقیاد طلبی و انسداد گفتمانی و رفتاری در مقابل تساهل و مدارا، اعتقاد به تئوری توطئه در مقابل واقع‌گرایی، تقدیرگرایی در مقابل خردورزی، جزم اندیشی، نقدناپذیری، مطلق انگاری، شعارزدگی، بی‌عملی و کلی‌گویی، ترجیح منافع فردی و جناحی بر منافع ملی، آمریت و قانون‌گریزی و ضعف پایبندی به قانون، فقدان مجال لازم برای نخبگان مستقل، عدم استقلال نخبگان و وابستگی‌های آنان به قدرت و دولت، مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی احزاب بوده اند. نتایج پژوهش لطیفی (۱۳۹۲) تحت عنوان چشم انداز تحزب در جمهوری اسلامی ایران، نشان داد که تعارضات فعالیت‌های حزبی با برخی بنیان‌های دینی، مشکلات مربوط به تامین منابع مالی و مشکلات تئوریک و قانونی مربوط به فعالیت احزاب، دلایل ناکارآمدی احزاب بوده اند. در پژوهش تومی (۱۳۹۲) با عنوان احزاب سیاسی و ثبات سیاسی: تأملی در تاریخ تحزب ایران، عواملی نظیر، شخصیت‌ها، نگاه دولتی، وابستگی به بیگانگان و جهت‌گیری جناح‌ها در مقابل هم، عدم شکل‌گیری نقش‌ها و کارکردهای صحیح نظام حزبی، فقدان درکی فراگیر از اهداف و منابع ملی، گسترش تفکر جناحی، تمرکز منفعت‌گرایی شخص، گروهی و ایجاد قطب بندی‌های جزم اندیش فکری، به عنوان دلایل ناکارآمدی احزاب معرفی شده اند. در پژوهش احمدی (۱۳۹۱) با عنوان ساختار احزاب سیاسی و نظارت مالی بر آن در نظام حقوقی ایران، ساختار یک احزاب اثربخش را شامل مواردی چون منابع مالی و شفافیت آن در فعالیت‌های حزبی، شفاف سازی و قانونمند کردن فرآیندهای مالی احزاب و اعمال نظارت مالی-حقوقی دقیق بر آن توسط یک نهاد غیر حکومتی و نظارت محدود دولت در نظر گرفته اند. حسینی وردنجانی (۱۳۹۰)، در پژوهش خویش با عنوان ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران (دوره پس از انقلاب اسلامی)، به وجود دلایلی نظیر، وابستگی مالی احزاب به دولت، مقطعی بودن فعالیت آنها، همچنین تنگناهای فرهنگی و سیاسی، منافع کشورهای خارجی، برای توضیح ناکارآمدی احزاب اشاره نموده است. کریمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران (ه.ش.

۱۳۵۷-۱۲۸۵)، نشان داد که عواملی نظیر شرایط تاریخی و زمینه های اولیه بروز و ظهور احزاب سیاسی ایران، وجود دولت خود کامه، نفوذ بیگانگان در کشور، موانع و مشکلات ناشی از قانون مشروطه، ضعف دموکراتیزیشن (دموکراتیک شدن)، منشا های احزاب سیاسی کشور، پیوندشان با منافع سازمان یافته، ارتباطشان با شهروندان، ساختار سازمانی احزاب، و رابطه احزاب با محیط نهادی شان، در ناکارآمدی احزاب نقش داشته اند.

سین پنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان ممنوعیت احزاب و تأثیر بر نهادینه شدن سیستم حزب در تایلند، به این نتیجه رسیدند که ترس از تهدید اقدامات جمعی، فشارهای از بالا به پایین، شرایط استبدادی، عدم رشد کافی گروه های اجتماعی، مهم ترین دلایل ناکارآمدی احزاب بوده اند. کروتی و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خویش با عنوان بررسی تأثیر قانون سازمان های غیر دولتی بر توسعه جامعه مدنی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نشان دادند که دولتی بودن احزاب و وابستگی مالی احزاب به دولت، دلایل اصلی ناکارآمدی احزاب هستند. رحمان (۲۰۰۶)، در پژوهش خویش با عنوان توسعه دموکراسی و بخش غیر دولتی در بنگلادش: نظریه و شواهد به وجود مواردی نظیر انحراف در فعالیت احزاب، تصمیم گیری های دولت و توانمندسازی فقرا اشاره نموده اند. هوبر، راجمیر و استفن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه توسعه اقتصادی با توسعه دموکراسی، به متغیرهایی نظیر توسعه سیاسی، دموکراتیزه شدن جامعه، میزان آگاهی، سواد سیاسی، ترکیب طبقات اجتماعی اشاره نموده اند. سیر ادبیات نوع نگاه به احزاب و ناکارآمدی آنها، بیانگر وجود دو نوع نگاه ساختاری (لاپالومبارا و واینر، ۲۰۱۵؛ زیباکلام و مقتدائی، ۱۳۹۳؛ تاجیک و رضایی پناه، ۱۳۹۴) مبنی بر تلقی حزب به عنوان سازمانی مستمر و بادوام، برخوردار از شعب محلی و در عین حال گستره ملی، میل به در دست گرفتن قدرت در نزد رهبران آنها و تمایل به گسترش جایگاه مردمی و محبوبیت، و نیز دیدگاه کارکردگرایانه (اسلامی، ۱۳۹۳؛ اخوان کاظمی، ۱۳۹۶؛ زیباکلام و مقتدائی، ۱۳۹۳؛ سیلر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶؛ فوکویاما<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵) با محوریت، برخوردار از ساختار سازمانی مستمر و بادوام باشد که بتواند عمری طولانی تر از بنیان گذارانش داشته و فزون بر مرکز سیاسی کشور، شعباتی نیز در سطح کل کشور داشته باشد؛ تلاش برای بسیج افراد جهت دستیابی به مقام های دولتی؛ دارای برنامه ها و طرح های توجیه کننده اقدام های آنها در راستای عزم جدی جهت خواهان بسیج رأی دهندگان و قدرت طلبی، می باشد.

1 -Sinpeng

2 -Huber, Rueschemeyer, Stephens

3 -Seiler

4 -Fukuyama

## روش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و به لحاظ فلسفه پژوهش، از نوع تفسیری است. همچنین از نظر روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل متون مورد استفاده، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است و در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود (نماینان و همکاران، ۱۳۹۶). از آنجاکه روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می‌پردازد، جمع‌آوری اطلاعات در قالب چرخه‌های برداشت از متن انجام می‌شود (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷). در واقع، محقق با طی کردن مسیر رفت و برگشتی درون متن، به درک بهتری از متن می‌رسد. این مسیر تا جایی دنبال می‌شود که درک قابل قبولی با کمترین تناقض درونی از متن ایجاد شود (پاتن؛ ۲۰۰۲). مضمون مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (بارون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها و نیز تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی داده‌های کیفی است. در این روش، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است. تکرار یعنی حداقل در ۲ مورد از متن بتوان موضوعی را دریافت کرد. این روش، بر اساس رویه‌ای مشخص و در ۳ سطح، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی در متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند که در آن، مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر، جای گذاری شده‌اند (آترید استرلینگ؛ ۲۰۰۱).

در این پژوهش کیفی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته با رویکرد اکتشافی استفاده شد. به این منظور، با ۶ نفر از استادان جامعه‌شناسی سیاسی (۶ نفر) و علوم سیاسی (۸ نفر) دارای سابقه فعالیت‌های حزبی و آگاه به مسائل احزاب سیاسی در سطح کشور، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. در ابتدای مصاحبه، هدف پژوهش بیان و تأکید گردید که از مصاحبه‌ها فقط برای مقاصد پژوهشی استفاده خواهد شد و هویت افراد در گزارش‌های پژوهش ذکر نخواهد شد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند قضاوتی با رویکرد نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. انتخاب نمونه‌ها تا حصول کفایت و اشباع داده‌ها و اطمینان از اینکه نمونه‌های بعدی اطلاعات

- 
- 1 - Patton
  - 2 - Braun & Clark
  - 3 - Attride- Striling



تمایزی به دست نمی‌دهند تداوم یافت. در این مطالعه با ۱۴ نفر مصاحبه شد؛ که از مصاحبه ۱۲ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید اما برای اطمینان از کفایت داده‌ها تا مصاحبه ۱۴ ادامه یافت. در مجموع ۱۴ مصاحبه با اعضاء شرکت‌کننده در مصاحبه به عمل آمد.

تحلیل مضمون مجموعه گسترده‌ای از روش‌ها و فنون (قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای) را دربر می‌گیرد. در این مطالعه، روش شبکه مضامین روش مناسبی برای تحلیل مضمون تشخیص داده شد. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (نمایان و همکاران، ۱۳۹۶). شبکه مضامین، بر اساس روند مشخص، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را نظام‌مند می‌کند، سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله‌مراتب میان آنها از بین برود و باعث شناوری مضامین شود تا بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود (همان منبع، ۱۳۹۶). گفتنی است شبکه مضامین رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی نیست، بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته درون متن است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷). برای بررسی روایی و پایایی مرحله کدگذاری تحلیل محتوای کیفی از روش سازماندهی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) که شامل چهار معیار اعتبارپذیری، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و تاییدپذیری است استفاده گردید که نتایج بدست آمده در جدول (۱) نشان داده شده است. برای حصول اطمینان بیشتر از پایایی نتایج، به طور مضاعف از تکنیک بررسی توافق درون موضوعی دو کدگذار استفاده گردید. به این منظور، از یک استاد دانشگاه، که بر موضوع پژوهش اشراف داشت، درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (کدگذار)، در این پژوهش مشارکت کند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، سه مصاحبه را کدگذاری و درصد توافق درون موضوعی را، که به عنوان شاخص پایایی پژوهش به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه کرد:

$$۱۰۰ \times \text{تعداد کل کدها} / ۲ \times \text{تعداد توافقات به دست آمده} = \text{درصد توافق درون گروهی}$$

به منظور استخراج میزان و تعداد توافقات، پرسش‌نامه‌ای حاوی عناوین مضامین، به همراه نمونه‌های کدگذاری باز در اختیار مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفت و میزان توافقات از طریق

پرسش‌های گزینه‌ای تطابق زیاد، متوسط و کم مورد سؤال واقع شد. چنانچه مشارکت‌کننده گزینه کم یا متوسط را انتخاب نماید، به معنای عدم توافق و در صورتی که گزینه زیاد را برگزیند، به معنای توافق است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به مسئله اصلی پژوهش، این سؤال که علل اجتماعی و فرهنگی ناکارآمدی احزاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کدامند؟ به‌عنوان سؤال اصلی مصاحبه‌ها در نظر گرفته شد.

### جدول ۱. روایی و پایایی پارادایم کدگذاری

ابعاد	توضیحات
تأییدپذیری	مراحل انجام تحقیق به طور مفصل شرح داده شد و نحوه کدگذاری و استخراج مفاهیم مقوله‌ها تشریح شد. فرایند انجام کار در اختیار خبرگان قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تأیید گردد.
انتقادپذیری	انتخاب نمونه بر اساس تخصص و تجارب مرتبط با احزاب و فعالیت‌های حزبی مصاحبه با خبرگان، جمع‌آوری اطلاعات: از روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان بررسی خبرگان غیر مشارکت‌کننده
باورپذیری	برای تأمین معیار قابلیت اطمینان نیز فرایند انجام مطالعه در اختیار خبرگان با سابقه در زمینه پژوهش‌های کیفی قرار گرفت. آنها پس از بازنگری فرایند مطالعه، نتایج پژوهش را مورد تأیید قرار دادند

منبع: یافته‌های پژوهش

### جدول ۲. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی دو کدگذار
۱	I1	21	9	۰/۸۶
۲	I14	18	8	۰/۸۹
۳	I18	24	11	۰/۹۲
	کل	63	28	۰/۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته در پژوهش، برابر ۰/۸۹ است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه مناسب است. اندازه معمول ضریب پایایی موردپذیرش برای اکثر تحقیقات بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد است

وتحقیقاتی که ضریب پایایی آنها کمتر از ۷۰ درصد باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود وتکرار تحقیق بامشکل مواجه خواهند شد (رایف، ۱۳۸۱؛ واعظی و همکاران، ۱۳۹۷).

### یافته ها

یافته های توصیفی:

ویژگی های جمعیتی جامعه مورد مصاحبه:

جدول (۳) ویژگی های جمعیت شناختی نمونه های آماری را نشان می دهد.

از نمونه هایی که با آنها مصاحبه شد، میانگین سنی آنها ۵۳/۵۷ سال بود که بیشترین سن آنها ۷۵ سال و کمترین سن هم ۴۲ سال بود. میانگین سابقه کاری مخاطبین مطالعه، ۱۹/۶ سال بود. بیشترین سابقه کار ۳۵ سال و کمترین سابقه نیز ۸ سال بود. همه مصاحبه شوندگان تحصیلاتی درحد دکتری داشتند. مرتبه علمی ۲۲ درصد پاسخگویان، استاد، ۵۰ درصد استادیار و ۲۸ درصد نیز دانشیار بودند. ۲۹ درصد خبرگان زن و ۷۱ درصد نیز مرد بودند.

جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش

مصاحبه شونده	تحصیلات	رتبه علمی	سن	سابقه کار	جنسیت	مصاحبه شونده	تحصیلات	رتبه علمی	سن	سابقه کار	جنسیت
۱	دکتری	استاد	۷۵	۳۵	مرد	۸	دکتری	استادیار	۴۲	۱۰	مرد
۲	دکتری	دانشیار	۵۹	۲۴	زن	۹	دکتری	استادیار	۴۳	۸	مرد
۳	دکتری	دانشیار	۶۱	۲۵	زن	۱۰	دکتری	استادیار	۴۴	۱۰	مرد
۴	دکتری	استاد	۶۵	۳۵	مرد	۱۱	دکتری	دانشیار	۵۶	۱۵	مرد
۵	دکتری	استادیار	۴۳	۲۰	مرد	۱۲	دکتری	استادیار	۴۴	۱۲	مرد
۶	دکتری	استادیار	۴۳	۱۴	مرد	۱۳	دکتری	دانشیار	۵۷	۲۱	زن
۷	دکتری	استاد	۷۰	۳۳	زن	۱۴	دکتری	استادیار	۴۸	۱۳	مرد

یافته های کیفی پژوهش:

سوال ۱. مهم ترین ابعاد شکل نگرفتن احزاب در دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران از نظرگاه اجتماعی - فرهنگی کدامند؟

پژوهشگر با رعایت اصول اخلاقی پژوهش های کیفی و رضایت کامل مصاحبه شوندگان، مصاحبه ها را ضبط نمود. ابتدا نخستین مصاحبه به طور دقیق به متن برگردانده شد و کدگذاری به صورت پاراگراف به پاراگراف صورت گرفت. نکات کلیدی در متن مصاحبه ها در رابطه با ناکارآمدی احزاب سیاسی، احصاء شد و پس از کدگذاری اولیه تا سطح تعیین مضامین پایه ادامه یافت. این روند

تامصاحبه هفدهم واشباع نظری به کار گرفته شد. در این مرحله از متن مصاحبه‌ها، ۱۲۴ کداولیه که قدرت مفهومی بیشتری داشتند، استخراج شد.

سپس، مضامین پایه از کدهای مفهومی استخراج شدند که هم‌زمان با اشباع نظری و با تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ۶۰ کدمفهومی و ۱۸ مضمون پایه شناسایی شدند. در گام سوم، مضامین پایه دارای بیشترین قرابت معنایی و مفهومی کنار یکدیگر قرار گرفتند و تعداد ۲ مضمون سازمان‌دهنده از آنها احصاء شد. در حقیقت، مضامین سازمان‌دهنده (اصلی) همان پاسخ به سؤالات استخراج‌شده پژوهش از داده‌های کیفی بودند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در این مطالعه، در مجموع، ۲ مضمون سازمان‌دهنده از مجموع ۱۸ مضمون پایه مبین علل اجتماعی و فرهنگی ناکارآمدی احزاب، شناسایی شدند (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج احصاء مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای مفهومی		
ناکارآمدی احزاب سیاسی	عوامل فرهنگی ناکارآمدی احزاب سیاسی	فقر سواد جامعه مدنی قائل به سنت	سطح پایین آگاهی‌های سیاسی در بین توده‌ها		
			فقر فرهنگی سیاسی		
			جامعه توده وار و عمدتاً کم سواد		
		ضعف‌های ارتباطی فرهنگی	ورود حداقلی احزاب به بسیاری از امور فرهنگی اجتماعی		
			تبادل اجتماعی فرهنگی جامعه کشور یا دیگر جوامع مدرن		
			ضعف و یا نبود تبادلات آزاد فرهنگی با دیگر جوامع		
		عدم سنخیت احزاب با انگاره‌های مذهبی - فرهنگی	تفاوت‌های ماهیتی حزب در فرهنگ ایرانی و غربی	ضعف شدید ارتباطی در نزد احزاب با توده‌ها	خرافه پرستی و قضا و قدری بودن مردم ایران
				گرایش به مطلق‌گرایی در آموزه‌های دینی ایرانیان	وجود آموزه‌های سنتی - ساختاری مبتنی بر مطلق‌گرایی
				تقسیم مقولات و وضعیت موجود به خیر و شر	فقدان همسویی احزاب با انگاره‌های عمومی و اعتقادی مردم
				بدبینی و ناآگاهی نسبت به فعالیت‌های حزبی	تفاوت‌های ماهیتی حزب در فرهنگ ایرانی و غربی
				وجود روحیاتی همچون، تملق‌گویی، چاپلوسی، ریاکاری -	وجود روحیاتی همچون، تملق‌گویی، چاپلوسی، ریاکاری -
				نهادینه نشدن فرهنگ حزبی	نهادینه نشدن فرهنگ حزبی
				نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه	تنوع قومیتی، فرهنگی، زبانی و ...
				عدم رعایت اصول اخلاقی - مدنی و مصالح جمعی در نزد احزاب	وجود گروه‌های سنتی و دینی در جامعه
وجود گروه‌های سنتی و دینی در جامعه	وجود ساختار قبیله‌ای و طایفه‌ای وسیع در جامعه				
کارکرد مثبت ایلات و عشایر و کارآمدی آن	ساختار سنتی جامعه مدنی				
وجود فرهنگ ایلی و عشیره‌ای در عرصه‌های سیاسی	فقدان تجربه مشارکت سیاسی در بدنه جامعه مدنی				
ضعف و یا نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه	رابطه‌گرایی و برقراری مناسبات شخصی بجای ضابطه‌گرایی				
بی‌تفاوتی سیاسی و عدم احساس مسئولیت در بین مردم	بی‌تفاوتی سیاسی و عدم احساس مسئولیت در بین مردم				
ناکارآمدی احزاب سیاسی	فقدان تجربه مشارکت سیاسی در بدنه جامعه مدنی	ساختار سنتی قبیله‌ای عشیره	ساختار سنتی قبیله‌ای عشیره		
		ساختار سنتی جامعه مدنی	ساختار سنتی جامعه مدنی		
		وجود فرهنگ ایلی و عشیره‌ای در عرصه‌های سیاسی	وجود فرهنگ ایلی و عشیره‌ای در عرصه‌های سیاسی		
		ضعف و یا نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه	ضعف و یا نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه		

<p>ناکارآمدی احزاب سیاسی</p>	<p>عوامل اجتماعی ناکارآمدی احزاب سیاسی</p>	<p>وجود فرهنگ حاکمیت فردی بر احزاب سیاسی</p>	سابقه تجربه ناموفق احزاب
			استفاده حداقلی از تمام پتانسیل های فکری جامعه
			کم بودن روحیه کار گروهی در بین ایرانیان
			وجود فرد گرایی منفی و عدم اعتقاد به کارهای گروهی
			مدیریت فردسالارانه و غیرمشارکتی احزاب در ایران
			وجود روحیه امریت و سلطه گرایی در بین صاحب منصبان
			سلطه دیرپای استبداد و حاکمیت فردی در ایران
		فشار از طرف افراد ذی نفوذ برای القاء تفکر خود	
		<p>تعارضات و تضادهای ایدئولوژیک</p>	تعارضات شدید ایدئولوژیک بین احزاب
			کمبود ایدئولوژی ها و اهداف وحدت افزا در جامعه
			رقابت ستیزی، حذف و ستیزه جویی در مناسبات سیاسی
			وجود رقابت های غیرنهادمند و قانون گریز در نتیجه ستیزهای میان گروهی
		<p>وجود روحیه نقد ناپذیری احزاب سیاسی</p>	وجود روحیه نقدپذیری پایین در بین نخبگان سیاسی جامعه
			وجود روحیه ساختار قدرت تمرکز خواه در بین احزاب
		<p>ضعف برنامه ریزی و مدیریت احزاب سیاسی</p>	بی برنامه بودن فعالیت های حزبی در سطح کشور
			وجود باندهای قدرت در سطح جامعه
		<p>وجود مافیای قدرت در احزاب</p>	رابطه گرایی و عدم تمایل به ضابطه مندی امور
			تقدم منافع حزبی بر منافع ملی و به تبع کاهش سرمایه اجتماعی احزاب
			عدم تمایل مردم و مسئولان به شفاف نمودن امور
			روحیه تسامح، تساهل و مدار در بین سیاسیون
			تمایل به استفاده از زور در تمام مسائل برای نتیجه گیری سریع
			وجود روحیه سلطه پذیری در بین مردم
		<p>وجود روحیه تقدیر گرایانه و سلطه پذیر در توده ها</p>	وجود گروه های اجتماعی که زمینه ساز فعالیت حزبی است
			فقدان تحولات بنیادی در صورت بندی های اجتماعی نسبت به احزاب
		<p>وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی</p>	وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی
			اسطوره سازی در روابط و مناسبات های اجتماعی
			تمایل به تقلید تا پیشرو بودن در امور اجتماعی
<p>ضعف تربیت و آموزش سیاسی مسائل مربوط به آزادی بیان و رشد مطبوعات</p>	بی توجهی احزاب به آموزش و تربیت سیاسی عامه مردم		
	رشد ضعیف مطبوعات و کتاب در جامعه		
	احساس ناامنی سیاسی- اجتماعی در بین احزاب		
	رشد مطبوعات و آزادی بیان		
<p>وجود انشعابات حزبی فراوان</p>	وجود انشعابات حزبی فراوان		
	وابستگی پاره ای از احزاب به بینش ها ایدئولوژی های الحادی بیگانگان		

منبع: یافته‌های پژوهش

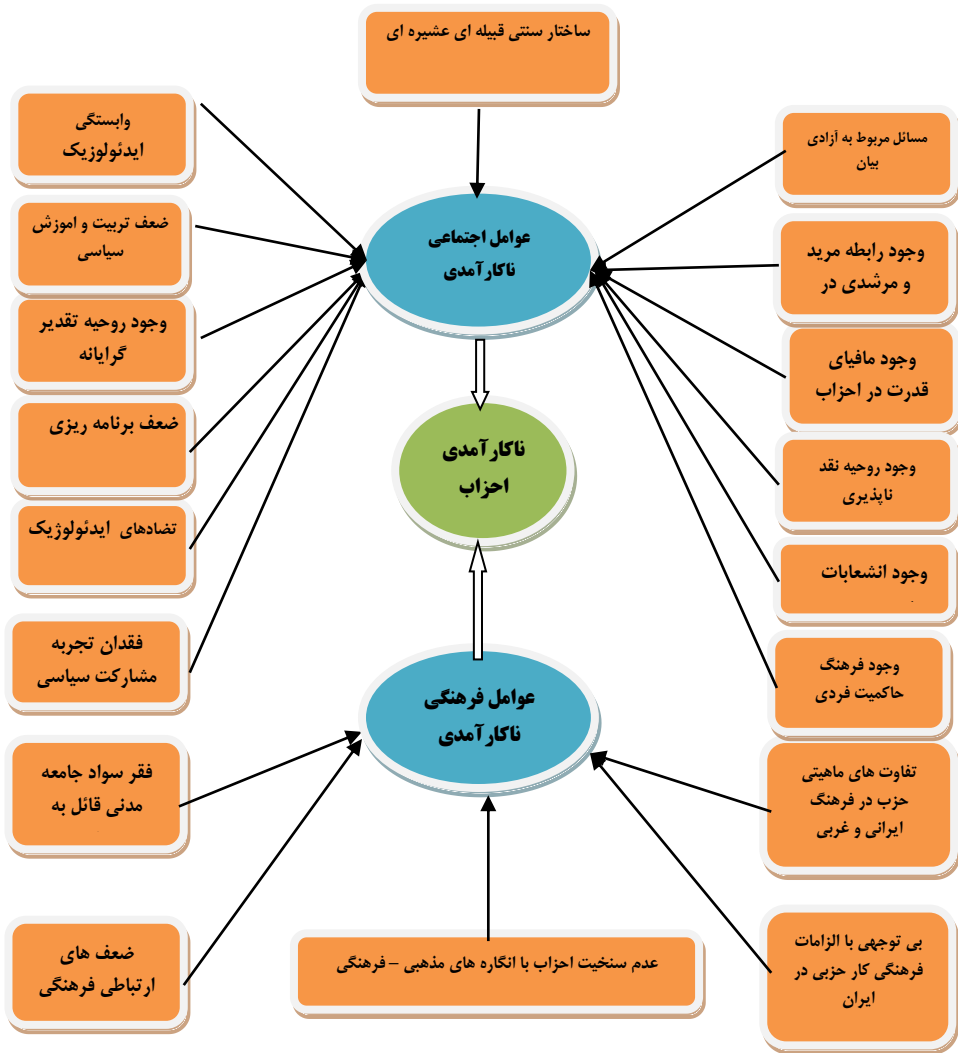
در جدول (۵)، فراوانی تکرار مضامین فرعی (پایه) ذکر شده است

## جدول ۵. فراوانی تکرار مضامین فرعی

ردیف	مضامین پایه	تکرار	ردیف	مضامین پایه	تکرار
۱	فقر سواد جامعه مدنی قائل به سنت	۱۲	۱۰	تعارضات و تضادهای ایدئولوژیک	۹
۲	ضعف های ارتباطی فرهنگی	۶	۱۱	وجود روحیه نقد ناپذیری احزاب سیاسی	۱۳
۳	عدم سنخیت احزاب با انگاره های مذهبی - فرهنگی	۱۵	۱۲	ضعف برنامه ریزی و مدیریت احزاب سیاسی	۸
۴	تفاوت های ماهیتی حزب در فرهنگ ایرانی و غربی	۹	۱۳	وجود مافیای قدرت در احزاب	۹
۵	بی توجهی با الزامات فرهنگی کار حزبی در ایران	۸	۱۴	وجود روحیه تقدیر گرایانه و سلطه پذیر در توده ها	۷
۶	ساختار سنتی قبیله ای عشیره ای جامعه مدنی	۱۴	۱۵	وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی	۶
۷	فقدان تجربه مشارکت سیاسی در بدنه جامعه مدنی	۱۵	۱۶	ضعف تربیت و آموزش سیاسی	۸
۸	وجود فرهنگ حاکمیت فردی بر احزاب سیاسی	۱۱	۱۷	مسائل مربوط به آزادی بیان و رشد مطبوعات	۸
۹	وجود انشعابات حزبی فراوان	۱۶	۱۸	وابستگی ایدئولوژیک احزاب به بیگانگان	۱۲

## سوال ۲. چه مدلی علل ناکارآمدی احزاب را تبیین می نماید؟

پژوهشگر با به کارگیری سازه های شعوری و اصطلاحات فنی مستخرج از پیشینه نظری و تخصصی تحلیل (نریمانی و واعظی، ۱۳۹۶) و با توجه به زبانی که مصاحبه شونده ها به کار بردند، مضامین فراگیر را برگزید و به طور نظام مند به مقوله های مرتبط پیوند داد. هنگامی که کفایت نظری حاصل شد، هسته مرکزی ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، شکل گرفت که دربرگیرنده مضامین سازمان دهنده فرهنگی - اجتماعی بود. در نهایت، شبکه مضامین به منظور تسهیل تصویرسازی از مضامین، باهدف ادراک موضوع یا کشف معنای ایده ترسیم شد (آترید استرلینگ، ۲۰۰۱). در این مرحله، ضمن بررسی همخوانی مضامین با کدهای مستخرج و مرتب نمودن مضامین، به ترسیم مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر پرداخته شد. براین اساس، در شکل (۱)، مدل نهایی پژوهش در قالب شبکه مضامین ارائه شده است.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش در قالب شبکه مضامین

درکل، نتایج تحلیل توصیفی مصاحبه‌های میدانی و اجرا و کدگذاری آنها نشان داد که در بین مضمون‌های سازمان‌دهنده (اصلی) ناکارآمدی احزاب سیاسی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، «عوامل اجتماعی» با ۱۳۷ تکرار بیشترین فراوانی و در واقع، بالاترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. این مضمون اصلی خود دربرگیرنده مضامین فرعی (پایه) ساختار سنتی قبیله ای عشیره ای جامعه مدنی، فقدان تجربه مشارکت سیاسی در بدنه جامعه مدنی، وجود فرهنگ

حاکمیت فردی بر احزاب سیاسی، وجود انشعابات حزبی فراوان، تعارضات و تضادهای ایدئولوژیک، وجود روحیه نقد ناپذیری احزاب سیاسی، ضعف برنامه ریزی و مدیریت احزاب سیاسی، وجود مافیای قدرت در احزاب، وجود روحیه تقدیر گرایانه و سلطه پذیر در توده ها، وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی، ضعف تربیت و آموزش سیاسی، مسائل مربوط به آزادی بیان و رشد مطبوعات و وابستگی ایدئولوژیک احزاب به بیگانگان است.

دومین مضمون اصلی بایشتترین تکرار «عوامل فرهنگی» بوده که ۵۰ مورد به آن اشاره شده است. این مضمون شامل مضامین فرعی فقر سواد جامعه مدنی قائل به سنت، ضعف های ارتباطی فرهنگی، عدم سنخیت احزاب با انگاره های مذهبی - فرهنگی، تفاوت های ماهیتی حزب در فرهنگ ایرانی و غربی و بی توجهی با الزامات فرهنگی کار حزبی در ایران بوده است.

### بحث و نتیجه گیری

از جمله ویژگی های بارز جوامع امروزی، نقش آفرینی نهادها و گروه های اجتماعی در عرصه های مختلف است که از مهم ترین این نهادها احزاب می باشند. احزاب در واقع از ابداعات و ابتکارات نظام های سیاسی مدرن هستند که منسجم ترین نهاد رقابت در خدمت نظام سیاسی محسوب می شوند و دارای کار ویژه های مختلفی همچون جامعه پذیری سیاسی و آموزش سیاسی به شهروندان، می باشند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸). عدم توجه به احزاب سیاسی برای جوامع خواهان توسعه سیاسی می تواند تهدید و بحران ساز باشد و به میزان اهمیت جوامع مختلف به امر مشارکت، این بی توجهی دامنه ی تهدیدات را گسترده تر خواهد کرد.

نگاه به کار ویژه های احزاب سیاسی نشان می دهد که می توان دستاوردهای بسیاری را در فعالیت های قانون مند احزاب سیاسی به دست آورد که در توسعه سیاسی جامعه اثرگذار باشد. اما عدم نهادینه شدن احزاب، فرصت اثربخشی حزب در ایران را منتفی نموده و پیامدهای ناشی از آن به سوی استفاده از مردم منجر گردیده است. بنابراین، بعد از انقلاب اسلامی بنا به دلایلی همچون رقابت های خارج از قانون نظام مند کشور و عدم اهتمام جامعه شناسان و مسئولان به مسئله مهم احزاب و رویدادهای مهم فشارساز کشور و فعالیت های اپوزیسیون خارج از کشور با حمایت قدرت - های بزرگ، باعث شده است که انتظاری که از انقلاب اسلامی می رفت که در آن احزاب با ماهیت انقلابی پرورش پیدا کنند، حاصل نشود.

لذا با وجود اینکه پس از پیروزی نظام مقدس جمهوری اسلامی، دموکراسی و نوسازی سیاسی در کشور حکمفرما شده است اما متأسفانه احزاب نتوانسته اند به صورت خودجوش و مردمی عمل



نمایند و از فرصت‌های بدست آمده در جهت نهادینه نمودن دموکراسی و تثبیت نهادهای مدنی سود ببرد. لذا تا زمانی که استراتژی و یک برنامه مدون برای شکل‌گیری، عملکرد و اهداف سیاسی طراحی نشود تا بتواند این موانع ناکارآمدی را رفع نماید، نمی‌توان از احزاب انتظار کارآمدی داشت. باتوجه به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی، چارچوب یکپارچه‌ای که ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی ناکارآمدی احزاب را به روشنی و جامع بیان کند، وجود ندارد. تحقیق حاضر با هدف شناسایی علل اجتماعی - فرهنگی ناکارآمدی احزاب، صورت گرفت. در این پژوهش با‌تکاء به روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل مضمون) علل اجتماعی - فرهنگی ناکارآمدی احزاب شناسایی گردید. فرایند تحلیل اطلاعات و آنالیز مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان موضوعی نشان داد که الگوی اجتماعی - فرهنگی ناکارآمدی احزاب سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دارای ۲ مضمون اصلی (سازمان دهنده) اجتماعی و فرهنگی است. در مجموع در این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مضمون مصاحبه‌های صورت گرفته (۱۴ مصاحبه)، ۶۰ کد مفهومی، ۱۸ مضمون پایه و ۲ مضمون سازمان دهنده شناسایی و استخراج گردید. نتایج نشان داد که در بین مضامین سازمان دهنده شناسایی شده، بالاترین اولویت متعلق به مضمون «عوامل اجتماعی» با ۱۳۷ تکرار بوده است. این مضمون اصلی خود دربرگیرنده مضامین فرعی (پایه) ساختار سنتی قبیله‌ای عشیره‌ای جامعه مدنی، فقدان تجربه مشارکت سیاسی در بدنه جامعه مدنی، وجود فرهنگ حاکمیت فردی بر احزاب سیاسی، وجود انشعابات حزبی فراوان، تعارضات و تضادهای ایدئولوژیک، وجود روحیه نقد ناپذیری احزاب سیاسی، ضعف برنامه ریزی و مدیریت احزاب سیاسی، وجود مافیای قدرت در احزاب، وجود روحیه تقدیر گرایانه و سلطه‌پذیر در توده‌ها، وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی، ضعف تربیت و آموزش سیاسی، مسائل مربوط به آزادی بیان و رشد مطبوعات و وابستگی ایدئولوژیک احزاب به بیگانگان است. نتایج بدست آمده در این بخش با نتایج تحقیقات با نتایج پژوهش‌های ناظرزاده (۱۳۹۲)؛ هاشمی (۱۳۹۰) و موسوی (۱۳۹۳)، و نیز مصاحبه‌های ششم، دهم، یازدهم، چهاردهم، شانزدهم و هجدهم همخوانی دارد. این یافته را اینگونه می‌توان تفسیر نمود که ساختار قبیله‌ای در جامعه و حفظ شدن آن در بسیاری از مناطق کشور که برخاسته از تعصبات قومی و قبیله‌ای است نیز از دیگر چالش‌های اجتماعی فراروی فعالیت احزاب است. در این زمینه ضعف رشد نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه را نیز می‌توان از دیگر عواملی برشمرد که امکان رشد دیدگاه‌های جهان‌شهری را به آحاد جامعه در قالب گروه‌های کوچکتر نداده است. همچنین جامعه توده‌وار و کم‌سواد را می‌توان از دیگر معضلات در مسیر فعالیت‌های حزبی دانست. واقعیت این است که در جامعه کنونی ما خصوصاً در زمینه فعالیت‌های حزبی که در زمان انتخابات رخ می‌دهد، بسیاری از افراد جوگیر می‌شوند و این عامل آنها را از انجام رفتارهای معقول باز می‌دارد. بی‌سواد بودن صرفاً

به معنای عدم برخورداری از سواد خواندن و نوشتن نیست بلکه بسیاری از افراد فاقد سواد سیاسی، سواد رسانه‌ای و از این قبیل می‌باشند که همین امر سبب می‌شود در مورد مسائل مهمی همچون فعالیت‌های حزبی نتوانند تجزیه و تحلیل درستی از موقعیت انجام داده و رفتار مناسبی را بروز نمایند. از دیگر مواردی که در جامعه کنونی ما بشدت به چشم می‌خورد برخلاف کشورهایی مانند اتحادیه اروپا، یا کشورهای عربی و یا کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا، اختصاصات خاص جامعه ایران از قبیل دین، مذهب، آداب و رسوم و نیز زبان است که باعث می‌شود هم مردم در ایران کمتر با کشورهای پیرامون در تبادل باشند و هم مردم کشورهای اطراف نیز کمتر با مردم ایران تبادلات اجتماعی نمایند. اگر از سفرهای برخی از متمولین و افراد طبقات بالای جامعه به کشورهای عمدتاً مرفه پیرامون مانند امارات و یا ترکیه صرف نظر شود، که این کشورها نیز چندان جوامع مدرنی در زمینه فعالیت آزاد احزاب اجتماعی فرهنگی نیستند به جرات می‌توان گفت کمتر ایرانی‌ای با مردم دیگر کشورهای پیشرو در زمینه احزاب دارای ارتباط است. وجود رابطه مرید و مرشدی در روابط اجتماعی نیز از دیگر مواردی است که افراد را از تفکر و اقدام به دور از ملاحظات روحی روانی باز می‌دارد. در این حالت فرد پیروی از یک فرد دیگر که ممکن است برای او از نظر کاریزمایی، تخصصی و .. دارای الوهیت باشد را بر خود واجب دانسته و هرگونه ایستادگی در مقابل وی را برای خود ناخوشایند می‌داند. در این حالت صرف نظر از اینکه فرد مورد نظر چه میزان برتری واقعی در زمینه‌هایی که مریدان او می‌پندارد دارد، روح تفکر خلاق و نقد از مرید سلب می‌شود و هرچه مرشد بگوید بدون کمترین تفکر و تعقلی پذیرفته می‌شود. از دیگر عوامل اجتماعی که می‌تواند بر رشد و گسترش فعالیت‌های حزبی در جامعه موثر باشد و نوای چند صدایی و تکثر را به طنین اندازد، رشد مطبوعات و آزادی بیان است. در دوره‌ای از تاریخ پس از انقلاب اسلامی ایران که بسیاری از سیاسیون آن را پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ بر می‌شمرند، فعالیت‌های حزبی در جامعه و نیز رشد مطبوعات روندی چشم‌گیر به خود گرفت، اما این روند خصوصاً از زمان روی کار آمدن دولت نهم روبه افول نهاد.

وجود باندهای قدرت در سطح جامعه را نمی‌توان انکار نمود و شواهد آن را در اکثر زمینه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌توان مشاهده نمود، این باندها با نفوذ خود در زمینه‌های مختلف، و تحت الشعاع قرار دادن زندگی اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگ مردم می‌توانند نقش موثر در نارکارآمدی احزاب اجتماعی فرهنگی در جامعه ایران ایفا نمایند. دانش سیاسی نا کافی در بین مردم را نیز از دیگر عواملی می‌توان برشمرد که می‌تواند بعنوان مانع در زمینه فعالیت‌های حزبی خود را نشان دهد. پیش از هرچیز باید این نکته را مدنظر قرار داد که دانش مرهون مطالعه است و آمارهای دردناک منتشره از سوی مراجع رسمی و غیر رسمی، حاکی از آن است که میزان

مطالعه در جامعه ایران بسیار کمتر از میزان مطالعه در جوامع مدرن و پیشرفته می باشد. در جامعه ایران افراد با دانش سیاسی پایین که منتج از مشاهده برنامه های ماهواره ای و خصوصا در چند سال اخیر شبکه های اجتماعی اس و با کج فهمی و یا نافهمی برخی از مقولات ضمن اینکه در تمام زمینه ها اظهار نظر می کنند، از دانش کم خود که عمدتا مبنایی متعصبانه و جزم اندیشانه دارد به شدت دفاع می نمایند که این خود از مهمترین موانع فعالیت های حزبی در ایران می باشد. رشد و توسعه نامتوازن بخش های مختلف کشور نیز از جمله مواردی است که ضمن اینکه می تواند بعنوان مهمترین پتانسیل برای شکل گیری فعالیت های حزبی باشد (کما اینکه در کشورهای پیشرو در زمینه فعالیت های حزبی، شکاف های طبقاتی زمینه ساز شکل گیری احزاب بوده است)، خود را به شکل محروم بودن بخشی از افراد جامعه از امکانات، موقعیت ها، پست های سیاسی، پست های اجتماعی و.. نشان داده است. وجود گروه های اجتماعی که زمینه ساز فعالیت حزبی است نیز می تواند از مهمترین عوامل زمینه ساز فعالیت های حزبی باشد. گروه هایی مانند انجمن های مردمی، اتحادیه های مربوط به محصولات کشاورزی و از این قبیل. با این حال مشاهده می شود حتی در زمینه موارد مذکور هنوز در سطح جامعه و در واقعیت اتحادیه ای وجود ندارد که بتواند به تنهایی و آزادانه فعالیت نماید، که شاهد این مدعا را در بسیاری از زمینه ها می توان معرفی نمود. از جمله بی برنامه گی در عرضه محصولات صنعتی، دامی، خوراکی به بازار، که این خود ضمن ایجاد نوسانات شدید در بازار و التهاب آفرینی در جامعه می تواند زمینه هدر رفت بسیاری از منابع کشور اعم از مادی، فرهنگی، انسانی و .. را فراهم آورد.

دومین مضمون اصلی بایبشتین تکرار «عوامل فرهنگی» بوده که ۵۰ مورد به آن اشاره شده است. این مضمون شامل مضامین فرعی فقر سواد جامعه مدنی قائل به سنت، ضعف های ارتباطی فرهنگی، عدم سنخیت احزاب با انگاره های مذهبی - فرهنگی، تفاوت های ماهیتی حزب در فرهنگ ایرانی و غربی و بی توجهی با الزامات فرهنگی کار حزبی در ایران بوده است. نتایج بدست آمده در این بخش با نتایج تحقیقات (تمی، ۱۳۹۰؛ هاشمی، ۱۳۹۰ و لطفی زاد، ۱۳۹۳) و نیز مصاحبه های اول، سوم، پنجم، ششم، نهم و یازدهم همخوانی دارد. در تفسیر این یافته می توان گفت وجود حکومت های زورگو و سلطه دیرپای این حکومت ها بر ایران در ادوار تاریخ، که این حکومت ها عمدتا برخاسته از فرهنگ خرد ستیز و زورگویی جوامع خود بوده اند، تا حدود زیادی سبب شده است باور به توانایی خود برای ایجاد تغییر در جامعه از طریق احزاب و تشکل های سیاسی را از مردم ایران سلب نموده است. وجود روابط خویشاوندی و ارتباطات خانوادگی که می توان خانواده های گسترده پدرسالار، مادرسالار و با حضور افراد از چند نسل یک خانواده اعم از پدر بزرگ و مادر بزرگ، پدر و مادرو فرزندان و حتی نوه ها را از نشانه های آن بر شمرد، از ویژگی های جامعه ایرانی است که در

کنار مزایایی که دارد می تواند به گسترش این روابط در ابعاد وسیع تر به عرصه های اداری و تشکیلاتی نیز اشاره داشت که رابطه گرایی و مناسبات شخصی از پیامدهای مخرب آن به شمار می رود. خرافه پرستی و باور به انجام برخی از امور روزمره از کانال هایی ماوراء الطبیعه اگر چه اختصاص به مردم ایران ندارد و در بسیاری از جوامع که بعنوان جوامع توسعه یافته نیز شناخته شده اند مرسوم و متداول است اما در جامعه ایران خود را به شکل تسلیم بودن نسبت به قضا و قدر و اعتقاد به اینکه کارها خود به خود درست می شوند و اراده انسان تاثیر چندانی بر بسیاری از امور ندارد خود را نشان می دهد و همین امر نقش فرد در شکل دادن به امور روزمره خود را کم رنگ می کند و بعنوان یکی از مظاهر فرهنگی و موانع شکل گیری و قوام یافتن فعالیت های حزبی مطرح می باشد. از دیگر مواردی که شاید بتوان ریشه و اساس آن را در ضعیف شدن سرمایه اجتماعی در بین مردم ایران جستجو نمود بی تفاوتی سیاسی و عدم احساس مسئولیت در بین مردم است. به عقیده بسیاری از جامعه شناسان ضعف در سرمایه اجتماعی که با شاخص هایی همچون اعتماد، انسجام، مشارکت و در مواردی تعهد سنجیده می شود، باعث می شود فرد منافع خود را بر منافع جامعه ترجیح داده و در صورت لزوم در مقابل منافع جمعی بایستد. برخی از محققان حتی توسعه یک جامعه را بطور مستقیم تحت تاثیر سرمایه اجتماعی میدانند و برای صدق گفته خود جوامع یهودی را که بطور منسجم و متحد و متعهدانه کار می کنند را مثال می زنند. تعهد برای یک فرد در جامعه با انجام اقداماتی در جهت رفاه حال عموم آن جامعه خود را نشان می دهد. در وضعیتی که فرد نسبت به جامعه خود هیچ گونه احساس همبستگی انسجام و تعهدی نداشته باشد، نه تنها در مسیر شکوفایی جامعه خود قدمی بر نمی دارد، چه بسا ممکن است بعنوان یک عضو مخرب و عنصر ناسازگار با اهداف خرد و کلان جامعه عمل نماید.

## منابع و مأخذ:

- احمدی، مونا. (۱۳۸۱). ساختار احزاب سیاسی و نظارت مالی بر آن در نظام حقوقی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۶). علل ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۰). مدخلی بر علل حقوقی ناکارآمدی احزاب در ج. ا. ایران. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۶، ۴۲-۲۱.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). احزاب، ثبات سیاسی و امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۴، ۱۲۰-۱۱۹.
- اسلامی، محمد حسین. (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی شکل گیری احزاب از دیدگاه کارکردگرایان. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، ۴(۱۳)، ۹-۲۰.
- باقری عدالت، محمد علی. (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی انحلال قضایی احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۹۲). بررسی چرایی دو حزب ملی گرا و چپ از ائتلاف انقلاب پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۲۳، ۸۲-۶۱.
- تاجیک، محمدرضا؛ رضایی پناه، امیر. (۱۳۹۴). امرسیاسی در عصر پساجهانی شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۱۶(۱)، ۷-۴۰.
- تبریزنیا، حسین. (۱۳۷۷). برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران. تهران: انتشارات سیاوش
- تمی، کامران. (۱۳۹۲). احزاب سیاسی و ثبات سیاسی: تأملی در تاریخ حزب ایران. مقاله ارائه شده به پنجمین همایش مجازی بین المللی تحولات جدید ایران و جهان، <https://civilica.com/doc/250222/>
- ثابتی، منوچهر؛ وثوقی، منصور؛ محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی موانع شکل گیری نظام حزبی در بستر توسعه اجتماعی و ساختار فرهنگ سیاسی ایران بین دو انقلاب (مشروطه تا انقلاب اسلامی). فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۰(۴)، ۳۷-۴۹.
- حسینی وردنجانی، سید حمید. (۱۳۹۰). ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران (دوره پس از انقلاب اسلامی). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم، تهران.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ جعفرپور کلوری، رشید. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی در دو دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۴۰)، ۴۹-۷۷.
- رایف، د. (۱۳۸۱). تحلیل پیام های رسانه ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق. (ترجمه مهدخت بروجردی علوی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- زیباکلام، ص؛ مقتدایی، م. (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۰(۲۹۹)، ۲۵-۷.
- سردارنیا، خلیل. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی نهادهای ناکامی حزب در ایران در سده اخیر. فصلنامه پژوهش های تاریخی، ۴(۴)، ۴۳-۵۶.
- صادق فامیان قدیم، محمد تقی؛ توحیدفام، محمد. (۱۳۹۸). علل تداوم احزاب سیاسی در ایران معاصر: مطالعه موردی جریان چپ با تأکید بر اسنادحزبی. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰(۴)، ۲۵-۴۳.

- عابدی جعفری، ح؛ تسلیمی، م ی؛ فقیهی، ا؛ شیخ زاده، م. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- عبداللهی، محمد؛ راد، فیروز. (۱۳۸۸). بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران (۱۳۸۲-۱۳۰۴). مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰ (۱)، ۲۹-۶۳.
- کریمی، محمد علی. (۱۳۹۰). علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- لطفی زاد، روح الله. (۱۳۹۳). بررسی نقش و عملکرد احزاب سیاسی در دوره پهلوی دوم (۱۳۳۲-۱۳۲۰ ه.ش.). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز، تهران.
- لطیفی، روح الله. (۱۳۹۲). چشم انداز حزب در جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، تهران.
- محرمانی، فریبرز. (۱۳۹۳). بررسی موضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، ۲۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۴۸.
- محمدی، زهره؛ باوندی پور، محمد؛ عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۹۸). نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر انتخابات. فصلنامه سیاست پژوهی، ۶(۱۳)، ۱۲۱-۱۵۰.
- موسوی، زهرا. (۱۳۹۳). ناکارآمدی احزاب در استقرار نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- نریمانی، امیر رضا؛ واعظی، رضا. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل تسهیل گر تجاری سازی پژوهش های دانش مدیریت دولتی. فصلنامه مدیریت دولتی، ۹(۲)، ۲۳۵-۲۶۲.
- نماین، ف، الیاسی، ر، ایزدی، ح، (۱۳۹۶)، روش شناسی و روش تحقیق کمی، کیفی و ترکیبی، چاپ اول، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- واعظی، ر؛ چگینی، م؛ اصلی پور، ح. (۱۳۹۷). چالش های سیاست گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون. فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال سیزدهم، شماره ۴۱، صفحات ۱-۴۰.
- هاشمی الوار، میلاد. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی دوران محمد مصدق و محمد خاتمی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه تهران.

## References

- Attride-Striling, J. (2001). Thematic network. An analytic tool for qualitative research. *Journal of Qualitative Research*, 1(3), 285-405.
- Braun, V., & Clark, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Crotty, J., Hall, S. M., & JIjubownikowms. (2014). Post-Soviet Civil Society Development in the Russian Federation: The Impact of the NGO Law. *European-Asian Studies*, 66 (8), 1253-1269.

- Huber, E., Rueschemeyer, D., & Stephens, J. D. (1993). The Impact of Economic Development on Democracy. *Journal of Economic Perspectives*, 7 (3), 71-85.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. California: Thousand Oaks.
- Rahman, M. S., Uddin, J. M., Park, J. H., Chae, J. S., Rahman, M. B., Hossain, M.A.(2006). A short history of brucellosis: special emphasis in Bangladesh. *Bangladesh Journal of Veterinary Medicine* 4 (1), 1-6.
- Seiler, D. L. (1986). *De la comparaison des partis politiques: Economica*.
- Fukuyama. Francis (1995), *Trust: the social virtues and the creation of prosperity*, New York, Free Press
- Sinpeng, A.(2014). Party Banning and the Impact on Party System Institutionalization in Thailand. *Jstor*, 36 (3), 442-466.
- Weiner, M., & La Palombara, J.(2015). *Political Parties and Political Development (SPD-6)*. Princeton: Princeton University Press. Chicago.